



منصور ہاشمی خراسانی



درسی از آن جناب درباره‌ی اینکه زمین از مردی عالم به همه‌ی
دین که خداوند او را در آن خلیفه، امام و راهنمایی به امر خود
قرار داده باشد، خالی نمی‌ماند.

باب (۳)

احادیث صحیحی از اهل بیت که بر این دلالت دارند.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی



حدیث ۲

رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ [ت ۳۲۹هـ] فِي «الْكَافِي»^۱، قَالَ: حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْوَشَاءِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ -يَعْنِي جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ- عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾^۲، قَالَ: هُمْ الْأَئِمَّةُ.

ترجمه:

محمد بن یعقوب کلینی [د. ۳۲۹ق] در کتاب «الکافی» روایت کرده، (به این صورت که) گفته است: حسین بن محمد من را حدیث کرد، از معلی بن محمد، از وشاء، از عبد الله بن سنان که گفت:

از ابو عبد الله -یعنی جعفر بن محمد صادق- علیه السلام درباره‌ی سخن خداوند عز و جل پرسیدم که می‌فرماید: «و از کسانی که آفریده‌ایم گروهی هستند که به حق هدایت می‌کنند و به آن عدالت می‌ورزند»، پس فرمود: آنان امامان هستند.

[ملاحظه]

قَالَ الْمَنْصُورُ حَفِظَهُ اللَّهُ تَعَالَى: مُعَلَّى بْنُ مُحَمَّدٍ مُضْطَرِبُ الْحَدِيثِ، وَلَكِنْ لِلْحَدِيثِ طَرِيقٌ آخَرُ:

ترجمه:

منصور حفظه الله تعالی فرمود: معلی بن محمد مضطرب الحدیث است، ولی برای حدیث طریق دیگری نیز وجود دارد:

[حدیث ۱-۲]

رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ [ت ۲۹۰هـ] فِي «بَصَائِرِ الدَّرَجَاتِ»^۳، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ صَفْوَانَ، عَنِ ابْنِ مُسْكَانٍ، عَنِ الْحُجْرِ، عَنْ مُحَمَّدَانَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ -يَعْنِي مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَاقِرَ- عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: ﴿وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾^۴، قَالَ: هُمْ الْأَئِمَّةُ.

ترجمه:

محمد بن حسن صفار [د. ۲۹۰ق] در کتاب «بصائر الدرجات» روایت کرده، گفته است: احمد

۱. ج ۱، ص ۴۱۴
۲. الأعراف / ۱۸۱
۳. ص ۵۶



بن محمد ما را حدیث کرد، از صفوان، از ابن مسکان، از حُجر، از حُمران، از ابو جعفر - یعنی محمد بن علی باقر - علیه السلام که درباره‌ی سخن خداوند تبارک و تعالی: «و از کسانی که آفریده‌ایم گروهی هستند که به حق رهبری می‌کنند و به آن عدالت می‌ورزند» فرمود: آنان امامان هستند.

[ملاحظه]

قَالَ الْمَنْصُورُ حَفِظَهُ اللَّهُ تَعَالَى: هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ؛ لِأَنَّ الْوَصْفَ مُنَاسِبٌ لِلْأَمَّةِ، إِذْ مِنْ شَأْنِهِمْ أَنْ يَهْدُوا النَّاسَ وَيَعْدِلُوا بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ، وَالْآيَةُ تَدُلُّ عَلَى أَنَّ لِلْإِمَامِ فِي كِتَابِ اللَّهِ شَأْنَيْنِ: الْأَوَّلُ هِدَايَةُ النَّاسِ بِالْحَقِّ، وَهِيَ تَعْلِيمُهُمُ الْقُرْآنَ وَالسُّنَّةَ دُونَ خَطَأٍ؛ لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ بِالْحَقِّ حَتَّى يَكُونَ كَذَلِكَ، وَالثَّانِي الْعَدْلُ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ، وَهُوَ الْحُكْمُ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ دُونَ خَطَأٍ؛ لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ بِالْحَقِّ حَتَّى يَكُونَ كَذَلِكَ، وَهُمَا لَا يَتِمَّانِ إِلَّا فِي مَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَظْهِيرًا، وَالْآيَةُ تَدُلُّ عَلَى أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ إِمَامٍ هَادٍ عَادِلٍ بِالْحَقِّ؛ كَمَا اعْتَرَفَ بِذَلِكَ عُقَلَاءُ الْقَوْمِ قَدِيمًا وَجَدِيدًا؛ مِثْلُ الْجُبَّائِيِّ [ت ۳۰۳هـ] إِذْ قَالَ: «هَذِهِ الْآيَةُ تَدُلُّ عَلَى أَنَّهُ لَا يَخْلُو زَمَانٌ النَّبْتَ عَمَّنْ يَتَقَرَّبُ بِالْحَقِّ وَيَعْمَلُ بِهِ وَيَهْدِي إِلَيْهِ»، وَالتَّحَّاسِ [ت ۳۳۸هـ] إِذْ قَالَ: «دَلَّ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ بِهَذِهِ الْآيَةِ أَنَّهُ لَا تَخْلُو الدُّنْيَا فِي وَقْتٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ مِنْ دَاعٍ يَدْعُو إِلَى الْحَقِّ»، وَالْقُرْطُبِيِّ [ت ۶۷۱هـ] إِذْ قَالَ: «ذَلَّتِ الْآيَةُ عَلَى أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يُخْلِي الدُّنْيَا فِي وَقْتٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ مِنْ دَاعٍ يَدْعُو إِلَى الْحَقِّ»^۱، وَالحَّازِنِ [ت ۷۴۱هـ] إِذْ قَالَ: «فِي الْآيَةِ دَلِيلٌ عَلَى أَنَّهُ لَا يَخْلُو زَمَانٌ مِنْ قَائِمٍ بِالْحَقِّ يَعْمَلُ بِهِ وَيَهْدِي إِلَيْهِ»^۲، وَقَالَ ابْنُ الْجَوْزِيِّ [ت ۵۹۷هـ]: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِي الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لَهُ بِالْحُجَّةِ، جَامِعٍ بَيْنَ الْعِلْمِ وَالْعَمَلِ، عَارِفٍ بِحُفُوقِ اللَّهِ تَعَالَى، خَائِفٍ مِنْهُ، فَذَلِكَ قُطْبُ الدُّنْيَا، وَمَتَى مَاتَ أَخْلَفَ اللَّهُ عَوَضَهُ، وَرُبَّمَا لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرَى مَنْ يَصْلُحُ لِلنَّبَايَةِ عَنْهُ فِي كُلِّ نَائِبَةٍ، وَمِثْلُ هَذَا لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْهُ، فَهُوَ بِمَقَامِ النَّبِيِّ فِي الْأُمَّةِ»^۳، وَقَالَ الرَّازِيُّ [ت ۶۰۶هـ]: «هُوَ لَاءِ أُمَّةٍ الْهُدَى وَأَعْلَامُ الدِّينِ وَسَادَةُ الْخَلْقِ، بِهِمْ يَهْتَدُونَ فِي الذَّهَابِ إِلَى اللَّهِ»^۴، وَقَالَ الْأَلُوسِيُّ [ت ۱۲۷۰هـ]: «هُمْ الْمُرْشِدُونَ الْكَامِلُونَ»^۵، وَقَالَ السَّعْدِيُّ [ت ۱۳۷۶هـ]: «أَيُّ وَمِنْ جُمْلَةٍ مَنْ خَلَقْنَا أُمَّةً فَاضِلَةً كَامِلَةً فِي نَفْسِهَا، مُكَمَّلَةً لِعِزِّهَا، يَهْدُونَ أَنْفُسَهُمْ وَغَيْرَهُمْ بِالْحَقِّ، فَيَعْلَمُونَ الْحَقَّ وَيَعْمَلُونَ بِهِ، وَيَعْلَمُونَهُ، وَيَدْعُونَ إِلَيْهِ وَإِلَى الْعَمَلِ

۱. تفسیر الرازی، ج ۱۵، ص ۴۱۷؛ البحر المحيط فی التفسیر لأبی حیان الأندلسی، ج ۵، ص ۲۳۳

۲. إعراب القرآن للنحاس، ج ۲، ص ۸۲

۳. الجامع لأحكام القرآن للقرطبي، ج ۷، ص ۳۲۹

۴. لباب التأویل فی معانی التنزیل للخاص، ج ۲، ص ۲۷۷

۵. صید الخاطر لابن الجوزی، ص ۷۰

۶. تفسیر الرازی، ج ۷، ص ۶۳

۷. تفسیر الألوسی، ج ۵، ص ۱۲۲

بِهِ > حَوْبِهِ يَعْدِلُونَ < بَيْنَ النَّاسِ فِي أَحْكَامِهِمْ إِذَا حَكَمُوا فِي الْأَمْوَالِ وَاللِّمَاءِ وَالْحُقُوقِ وَالْمَقَالَاتِ وَغَيْرِ ذَلِكَ، وَهُؤُلَاءِ هُمْ أَيْمَةُ الْهُدَى وَمَصَابِيحُ الدُّجَى، وَهُمْ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ بِالْإِيمَانِ وَالْعَمَلِ الصَّالِحِ، وَالتَّوَّاصِي بِالْحَقِّ وَالتَّوَّاصِي بِالصَّبْرِ، وَهُمْ الصَّدِيقُونَ الَّذِينَ مَرَّتَبَتُهُمْ تَلِي مَرَّتَبَةَ الرِّسَالَةِ، وَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ مَرَاتِبُ مُتَقَاوَنَةٍ كُلٌّ بِحَسَبِ حَالِهِ وَعُلُوِّ مَنْزِلَتِهِ، فَسُبْحَانَ مَنْ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ، وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ»، انْتَهَى قَوْلُهُ، وَهَذَا قَوْلُنَا الَّذِي نَقُولُ بِهِ، وَالْعَجَبُ مِنْ أَقْوَامٍ يُنْكِرُونَهُ عَلَيْنَا وَهُمْ يَجِدُونَهُ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَقَدْ قَالَ بِهِ كَثِيرٌ مِنْ عُلَمَائِهِمْ قَدِيمًا وَحَدِيدًا! فَهَلْ يَنْقِمُونَ مِنَّا إِلَّا قَوْلَنَا أَنَّهُمْ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّنَا؟! وَلَا نَقُولُ ذَلِكَ لِأَنَّهُمْ آبَاؤُنَا، وَلَكِنْ لِمَا نَحْدُ مِنْ فَضْلِهِمْ فِي الْقُرْآنِ وَالسُّنَّةِ، وَلَا نُنْكِرُ فَضْلَ غَيْرِهِمْ مِنْ صَاحِبِ نَبِيِّنَا، وَلَكِنْ لَا يُقَاسُ بِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّنَا أَحَدٌ؛ كَمَا رَوَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ أَنَّهُ قَالَ: «كُنَّا إِذَا عَدَدْنَا أَصْحَابَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قُلْنَا: أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ وَعُثْمَانُ، فَقَالَ رَجُلٌ: يَا أَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ! فَعَلَيْ؟ قَالَ: وَيَحْكُ، عَلِيٌّ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ، لَا يُقَاسُ بِهِمْ أَحَدٌ»، وَهَذَا قَوْلٌ مَشْهُورٌ مِنْ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ [ت ٢٤١هـ]، وَهُوَ إِمَامُ أَهْلِ السُّنَّةِ وَلَمْ يُنْسَبْ إِلَيْهِ التَّشْيِيعُ؛ كَمَا رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ، قَالَ: «سَأَلْتُ أَبِي، قُلْتُ: مَنْ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ؟ قَالَ: أَبُو بَكْرٍ، قُلْتُ: يَا أَبَتِ، ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: عُمَرُ، قُلْتُ: يَا أَبَتِ، ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: عُثْمَانُ، قُلْتُ: يَا أَبَتِ، فَعَلَيْ؟ قَالَ: يَا بُنَيَّ، عَلِيٌّ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ لَا يُقَاسُ بِهِمْ أَحَدٌ»، وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: «قُلْتُ: يَا أَبَتِ، مَا تَقُولُ فِي التَّفْضِيلِ؟ قَالَ: فِي الْخِلَافَةِ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ وَعُثْمَانُ، فَقُلْتُ: فَعَلَيْ بْنُ أَبِي طَالِبٍ؟ قَالَ: يَا بُنَيَّ، عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ لَا يُقَاسُ بِهِمْ أَحَدٌ»^١، وَهَذَا هُوَ الْحَقُّ الَّذِي يَقُولُ بِهِ كُلُّ عَالِمٍ، وَقَدْ قَالَ بِهِ أَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ، وَإِذَا قُلْنَا بِهِ نَحْنُ قَالِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ: هَؤُلَاءِ مِنَ الرَّافِضَةِ! ﴿كَذَلِكَ يَظُنُّ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾^٢!

ترجمه:

منصور حفظه الله تعالى فرمود: این حدیث صحیحی است؛ چراکه وصف مذکور، مناسب امامان است؛ با توجه به اینکه رهبری مردم و اجرای عدالت در میان آنان به حق، از شأن آنان است و آیه دلالت دارد بر اینکه امام در کتاب خداوند دارای دو شأن است: یکم هدایت مردم به حق و آن تعلیم قرآن و سنت به آنان بدون خطایی است؛ چراکه آن به حق نخواهد بود مگر آن گاه که این گونه باشد و دوم عدالت میان مردم به حق و آن حکومت میان آنان بر طبق چیزی است که خداوند نازل

۱. تفسیر السعدی، ص ۳۱۰

۲. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل للحاکم الحسکانی، ج ۲، ص ۲۷۰ و ۲۷۱: الریاض النضره للمحب الطبری، ج ۳، ص ۱۸۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن للبحرانی، ج ۵، ص ۱۷۸؛ ینابیع الموده للقدوزی، ج ۲، ص ۶۸ و ۲۹۷

۳. برای این دو روایت، بنگرید به: الجامع لعلوم أحمد، ج ۴، ص ۳۴۷ و ۴۱۹؛ مناقب أحمد لابن الجوزی، ص ۲۱۹.

۴. الزوم / ۵۹



کرده است بدون خطایی؛ چراکه آن به حق نخواهد بود مگر آن گاه که این گونه باشد و این دو تحقق نمی‌یابند مگر در کسی که از اهل بیتی باشد که خداوند هر آلایشی را از آنان زدوده و آنان را کاملاً پاکیزه ساخته است و آیه دلالت دارد بر اینکه زمین از امامی هادی و عادل به حق خالی نمی‌ماند؛ چنانکه عاقلان قوم از قدیم و جدید به آن اعتراف کرده‌اند؛ مانند جبائی [د. ۳۰۳ق] که گفته است: «این آیه دلیل بر آن است که هیچ زمانی از کسی که به حق قیام و به سوی آن هدایت کند، خالی نمی‌ماند» و (مانند) نحاس [د. ۳۳۸ق] که گفته است: «خداوند عزّ و جلّ با این آیه بیان کرده است که دنیا، در هیچ وقتی از اوقات، از کسی که به حق رهبری کند، خالی نمی‌ماند» و (مانند) قرطبی [د. ۶۷۱ق] که گفته است: «آیه دلیل بر آن است که خداوند در هیچ وقتی از اوقات، دنیا را از دعوت‌کننده‌ای که به سوی حق دعوت کند، خالی نمی‌گذارد» و (مانند) خازن [د. ۷۴۱ق] که گفته است: «در آیه دلیلی بر آن است که هیچ زمانی از قیام‌کننده‌ای به حق که به آن عمل و هدایت می‌کند، خالی نمی‌ماند» و ابن جوزی [د. ۵۹۷ق] گفته است: «بی‌گمان خداوند زمین را از قیام‌کننده‌ای به حجت خالی نمی‌گذارد که جامع میان علم و عمل و عارف به حق خداوند متعال و ترسان از او باشد و او محور دنیاست و هرگاه بمیرد، خداوند جانشینی برایش قرار می‌دهد و چه بسا از دنیا نمی‌رود تا آن گاه که کسی را که شایسته‌ی جانشینی او در هر پیش‌آمدی است را ببیند و زمین هیچ گاه از چنین کسی خالی نمی‌شود و او به منزله‌ی پیامبر در میان امت است» و رازی [د. ۶۰۶ق] گفته است: «آنان امامان هدایت و نشانه‌های دین و سروران مردم هستند که به واسطه‌ی آنان به سوی خداوند راه یافته می‌شود» و آلوسی [د. ۱۲۷۰ق] گفته است: «آنان مرشدان کامل هستند» و سعدی [د. ۱۳۷۶ق] گفته است: «یعنی از جمله‌ی کسانی که آفریده‌ایم گروه فاضلی هستند که خود کاملند و دیگران را کامل می‌کنند، خود و دیگران را به حق هدایت می‌نمایند، پس حق را می‌شناسند و به آن عمل می‌کنند و آن را تعلیم می‌دهند و به سوی آن و عمل به آن دعوت می‌نمایند و با آن در احکام خود میان مردم عدالت می‌ورزند، هرگاه درباره‌ی مال‌ها و جان‌ها و حقوق و باورها و چیزهای دیگر حکم می‌کنند و آنان امامان هدایت و چراغ‌های تاریکی هستند که خداوند به آنان نعمت ایمان و عمل صالح و توصیه‌ی به حق و توصیه‌ی به صبر داده است و آنان صدّیقان هستند که مرتبه‌ی شان پس از مرتبه‌ی پیامبران است و میان خود، بسته به حال و بلندی منزلت‌شان، مراتب مختلفی دارند. پس منزّه است خداوندی که هر کس را بخواهد به رحمت خود مخصوص می‌گرداند و خداوند دارای فضل عظیم است». سخن او پایان یافت و این همان سخنی است که ما می‌گوییم و تعجب از کسانی است که آن را از ما بر نمی‌تابند، در حالی که آن را در کتاب خداوند می‌یابند و بسیاری از عالمانشان از قدیم و جدید آن را گفته‌اند! پس آیا

بر ما جز این عیبی می‌گیرند که می‌گوییم آنان از اهل بیت پیامبرمان هستند؟! در حالی که این را بدان سبب نمی‌گوییم که آنان پدرانمان هستند، بل به سبب فضیلتی می‌گوییم که برای آنان در قرآن و سنت می‌یابیم و فضیلت دیگرانی که با پیامبرمان مصاحبت کردند را انکار نمی‌کنیم، ولی کسی با اهل بیت پیامبرمان مقایسه نمی‌شود؛ چنانکه از عبد الله بن عمر روایت شده است که گفت: «ما هرگاه اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را می‌شمردیم می‌گفتیم: ابو بکر، عمر و عثمان، پس مردی گفت: ای ابا عبد الرحمن! پس علی چه؟! گفت: وای بر تو! علی از اهل بیت است، کسی با آنان مقایسه نمی‌شود» و این سخن مشهوری از احمد بن حنبل [د. ۲۴۱ق] است و او امام اهل سنت است و تشیع به او نسبت داده نشده است؛ چنانکه عبد الله بن احمد بن حنبل روایت کرده، گفته است: «از پدرم پرسیدم: افضل مردم پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چه کسی بود؟ گفت: ابو بکر، گفتم: پدر! سپس چه کسی؟ گفت: عمر، گفتم: پدر! سپس چه کسی؟ گفت: عثمان، گفتم: پدر! علی چطور؟ گفت: پسر من! علی از اهل بیته است که کسی با آنان مقایسه نمی‌شود» و در روایت دیگری آمده است: «گفتم: پدر! در باب تفضیل چه می‌گویی؟ گفت: در خلافت، ابو بکر و عمر و عثمان، گفتم: پس علی بن ابی طالب چطور؟ گفت: پسر من! علی بن ابی طالب از اهل بیته است که کسی با آنان مقایسه نمی‌شود» و این حقیقتی است که هر عالمی آن را می‌گوید و احمد بن حنبل نیز آن را گفته است، ولی هنگامی که ما آن را می‌گوییم کسانی که عالم نیستند می‌گویند: این‌ها از رافضه هستند! «این گونه خداوند بر دل‌های کسانی که عالم نیستند مهر می‌زند»!

